افق حوزه

Ofogh-e Hawzah Weekly

- سال شانزدهم
- شماره ۵۵۸
- دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۷
- ۱۲ صفحه
- ۲۰۰۰ تومان

هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ■ صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

مدیرمسئول: سیدمفید حسینی‌کوهساری ■ سردبیر: رمضانعلی عزیزی ■ با همکاری هیئت تحریریه

تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ ■ نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳ ■ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ ■ پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir

پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir ■ چاپ گلریز: ۶۶۷۹۵۴۴۲

در محضر نور

■ امام موسی کاظم علیه‌السلام

طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالاتِنَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَئِمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما پایدار ماندند، آن‌ها از ما و ما از آن‌هاییم. همانا آنان امامت ما را پذیرفتند، ما هم آن‌ها را به‌عنوان شیعیان خود پذیرفتیم. خوشا به حال آن‌ها و باز هم خوشا به حال آن‌ها، آن‌ها به خدا قسم در درجه ما و در کنار ما در روز قیامت‌اند.

بحارالانوار(ط - بیروت) /ج۵۱ /ص۱۵۱

سخن بزرگان

■ آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمه‌الله

هرچند حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از ما غایب و ما از فیض حضور آن حضرت محرومیم، ولی اعمال مطابق یا مخالف دفتر و راه و رسم آن حضرت را می‌دانیم و این‌که آیا آن بزرگوار را با اعمال و رفتار خود خشنود، و سلامی هرچند ضعیف خدمتش می‌فرستیم و یا آن حضرت را با اعمال ناپسند، ناراضی و ناراحت می‌کنیم.

عطر یار

> عارفان را زِ کمندِ توگریزی نبود <

آیت‌الله‌العظمی محمدحسین غروی اصفهانی رحمه‌الله

در سری نیست که سودایِ سرِکویِ تونیست
دلِ سودا زده را جز هوسِ رویِ تونیست
سینه‌ی غم‌زده‌ای نیست که بی‌روی و ریا
هدفِ تیرِکمانخانه‌ی ابرویِ تونیست
جگری نیست که از سوزِ غمت نیست کباب
یا دلی تشنه‌ی لعلِ لبِ دلجویِ تونیست
عارفان را زِ کمندِ توگریزی نبود
دامِ این سلسله جز حلقه‌ی گیسویِ تونیست
نسخه‌ی دفترِ حُسنِ توکتابی است مُبین
ور بُوَد نکته‌ی سربسته به جزمویِ تونیست
ماهِ تابنده بُوَد بنده‌ی آن نورِ جبین
مِهرِ رخشنده به جز غرّه‌ی نیکویِ تونیست
خضرِ عمری است که سرگشته‌ی کویِ تو بُوَد
چشمه‌ی نوش به جز قطره‌ای از جویِ تونیست
«مفتقر» در خَمِ چوگان توگویی، گویی است
چرخ با آن عظمت نیز به جز گویِ تونیست

یاد ایام

■ **دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۷ / ۴ شوال ۱۴۳۹ / ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸**

– رحلت عالم مجاهد و مبارز آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری (۱۳۴۲ق)

■ **سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ / ۵ شوال ۱۴۳۹**

– ورود مسلم‌بن عقیل نماینده امام حسین علیه‌السلام به کوفه (۶۰ق)

– رحلت سیدجمال‌الدین حسینی اسدآبادی متفکر و مصلح بزرگ جهان اسلام (۱۳۱۴ق)

– شهادت آیت‌الله میرزا علی غروی تبریزی توسط دژخیمان بعث عراق در کربلا (۱۳۷۷ش)

■ **چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ / ۶ شوال ۱۴۳۹**

– سالروز صدور نخستین توقیع امام زمان به نایب ایرانی خود حسین‌بن روح نوبختی

– انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام توسط منافقین کوردل در عاشورای حسینی (۱۳۷۳ش)

■ **پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۷ / ۷ شوال ۱۴۳۹**

– وقوع غزوه احد دومین جنگ صدر اسلام به فرماندهی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳ ق)

– درگذشت حکیم متأله میرزا رفیعا نایینی (۱۰۸۰ق)

– رحلت علامه میرزا ابوالحسن شعرانی فقیه، مفسر و عارف نامی (۱۳۹۳ق)

– رحلت عارف کامل و استاد بزرگ اخلاق آیت‌الله میرزا جواد آقاملکی تبریزی (۱۳۰۵ش)

■ **جمعه ۱ تیر ۱۳۹۷ / ۸ شوال ۱۴۳۹**

– عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری با حکم حضرت امام خمینی قدس‌سره (۱۳۶۰ش)

– تخریب بقاع متبرکه ائمه بقیع علیهم‌السلام در مدینه منوره توسط وهابیون سعودی (۱۳۴۴ق)

– روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی

■ **شنبه ۲ تیر ۱۳۹۷ / ۹ شوال ۱۴۳۹**

– به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۷ش)

■ **یک‌شنبه ۳ تیر ۱۳۹۷ / ۱۰ شوال ۱۴۳۹**

– پایان مرحله اول مشروطیت و آغاز استبداد صغیر در دوران مشروطه (۱۲۸۷ش)

اشتراک افق حوزه

۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰ ۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۶

نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳

تحلیلی بر مقادیر دیه و شیوه تعیین آن

نوشتاری از آیت‌الله‌العظمی سبحانی

اخیراً در نشستی با عنوان «مقادیر دیه در اسلام»، «فرضیه»ای مطرح شد و حاصل آن این‌که، این مقادیر احتمالاً حکم موقت بوده و می‌توان مقدار دیه را به‌صورت دیگر نیز تعیین کرد.

بعد از نظرخواهی از آیت‌الله‌العظمی سبحانی، معظم‌له با نگارش این مقاله به تحلیل این نظریه می‌پردازند.

■ **فاصله تلاش‌های علمی و نوآوری‌های غیراصولی**

تلاش‌های علمی و گرایش بر نوآوری یکی از ابعاد چهارگانه روان انسان را تشکیل می‌دهد و دانش‌های بشری در سایه چنین گرایش از صفر آغاز شده و تا به امروز راه کمال را پیموده است، و تمدن‌های هفده‌گانه را پی‌ریزی نموده و انسان نام خلیفةالله را در روی زمین به خود اختصاص داده است.

در دانش‌های بشری، برای تلاشگران و پی‌افکنان علوم، خط قرمزی وجود ندارد، سر و کار آنان با طبیعت و عوارض آن است، تا آن‌جا که امکان دارد کوشش می‌کنند پرده از چهره حقایق کون و مکان بردارند فرضیه‌های آنان در شناخت جهان فقط یک شرط بیش ندارد، و آن این‌که نباید با بدیهیات عقلی مانند امتناع اجتماع نقیضین، در تقابل باشد، اگر از این شرط بگذریم مجال برای نوآوری به روی آنان باز است و این مطلب نیاز به مثال ندارد، کافی است که داده‌های هیئت جدید غربی را که به همت چهار دانشمند پی‌ریزی شده با هیئت بطلمیوسی یونانی مقایسه کنیم، اندیشه‌های گالیله و همفکران او، فرضیه‌های یونانی را از بیخ و بن کند، و اثر کوچکی از آن باقی نگذاشت.

اما علوم وحیانی که به‌وسیله پیامبران معصوم به دست ما رسیده است بر دو نوع است:

۱. اصول منصوص

۲. فروع مُستنبط

در بخش نخست، ایجاد تردید و شک و یا فکر دگرگونی در آن‌ها روا نیست، زیرا یک نوع مقابله با وحی الهی است که مصون از خطا می‌باشد. مثلاً حکم «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنْثَيَيْنِ» یا «اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یا «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» و صدها نظیر آن‌ها از قوانین مستحکم اسلام است که هیچ مسلمان معتقد به وحی و نبوت خاتم پیامبران در ثبات و پایداری آن‌ها شک و تردید نمی‌کند و در غیر این صورت وحی الهی را نادیده گرفته و با آن به تقابل برخاسته است.

در بخش دوم که جنبه استنباطی دارد راه برای نوآوری کاملاً باز است زیرا استنباط در یک تفسیر ساده [1] تطبیق کلیات بر موارد جزئی است و اختلاف در این مورد اجتناب‌ناپذیر است و این حقیقت بر کسانی که اهل استنباط هستند واضح و روشن است.

در مجله صفیر حیات در شماره ۱۸ که برای بررسی موضوع به فقه، اختصاص یافته است در مقاله‌ای و یا سخنرانی چنین آمده است: «فرضیه این است که اصل دیه حکم شرعی است و مورد پذیرش همگانی ولی تقدیر آن جنبه شرعی ندارد یعنی حکم الهی نیست، تقدیراتی است که پیامبر و یا امیرالمؤمنین جعل و وضع کرده‌اند.

نویسنده آن‌گاه بر این فرضیه و گزینش چنین استدلال می‌کند:

۱. دیه در جاهلیت صد شتر بود، پیامبر آن را امضاء کرد.

۲. در روایات باب دیه الفاظی مانند: جعل، وضع، قضی، فرض آمده است که حاکی است که این تقدیر، از آن پیامبر بوده است.

۳. در ابتدا درهم و دینار در بین مردم نبود، دیه همان صد شتر بود، ولی بعد که سکه رایج شده قسم‌ها أمیرالمؤمنین علی الورق، امیرمؤمنان علیه‌السلام آن را بر درهم و دینار قرار داد.

در بررسی این دلایل اموری را یادآور می‌شویم:

۱. توحید در تشریع

یکی از مراتب «توحید»، توحید در تشریع و تقنین است، یعنی زمام تشریع و وضع قانون در دست خدا است و لذا می‌فرماید: «إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ للهِ أَمَرَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِيَّاهُ؛ [2] حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید!».

مرحوم صدوق توصیف پیامبر را با لفظ «شارع» نوعی غلو می‌داند، زیرا کار پیامبران دریافت احکام و تبیین آن‌ها به امت اسلامی است نه جعل قانون و وضع آن. آیه در این مورد بیش از آن است که در این‌جا به آن‌ها اشاره شود. [3]

چه تعبیری روشن‌تر از این: «لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا». [4] «ما برای هرکدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم».

۲. بازشناسی حکم الهی از حکم ولایی

رسول گرامی به حکم این‌که رئیس مطلق امت اسلامی و از جانب خدا دارای ولایت خاصی است در موارد جزئی، برای گره‌گشایی، احکام قضایی و به تعبیر صحیح‌تر احکام ولایی صادر نموده تا مشکل برطرف شود، این‌گونه احکام به طور غالب دو ویژگی دارند:

۱. معمولاً اختلافی رخ داده و نزاع درگرفته، رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله چون بر امت اسلامی ولایت دارد، از مقام ولایت بهره گرفته حکمی را صادر می‌کند مثلاً به رجل انصاری دستور می‌دهد و می‌فرماید: برو درخت سمرة‌بن جندب را از بیخ و بن بکن و به سوی او بیاندازد. [5]

دستور کندن درخت حکم ولایی است، ولی مدلل با یک حکم شرعی آسمانی است به نام لا ضرر ولا ضرار که پشتوانه قرآنی دارد.

۲. احکام ولایی محدود به زمان و مکان خاص است، و نمی‌توان آن را حکم الهی کلی تلقی کرد و در طول زمان بر آن تمسک جست. برای روشن شدن مطلب، حکم میرزای شیرازی قدس‌سره در مورد تحریم تنباکو را در نظر بگیرید، او برای کوتاه کردن دست استعمارگران از اقتصاد ایران قریب به این مضمون فرمود: الیوم استعمال تنباکو، بأی نحو کان به حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است.

این نوع احکام حسبیه، موردی و کاملاً جزئی بوده و به‌صورت حکم کلی تلقی نمی‌شود و با عوض شدن شرایط حکم اولی تنباکو به جای خود برمی‌گردد.

احکام ولایی و سلطانی پیامبر را می‌توان در دستورات جهادی آن حضرت دریافت کرد. [6]

با توجه به آن‌چه درباره تمایز احکام شرعی از احکام ولایی گفته شد می‌توان درباره روایات «دیه» به روشنی قضاوت نمود.

۳. مکتوب پیامبر اسلام در انواع دیه

پس از انتشار اسلام در سرزمین شبه جزیره و درخواست حکم دیه، رسول گرامی ضمن نامه‌ای که به املای آن حضرت، و نگارش یارانش بود، اقدام به بیان احکام متنوع و گسترده دیه پرداخت. حضرت پس از مقدمه کوتاه می‌فرماید: «وانّ فی النفس الدیة مائة إبل»، دیه قتل نفس صد شتر است، سپس به بیان دیه بینی، و زبان و آلت مرد، و کمر و دو چشم، یک پا و بخشی از جراحات وارد بر سر پرداخته و در پایان حدیث می‌فرماید: «وانّ الرجل یُقتل بالمرأة وعلی أهل الذهب ألف دینار، وفی الید الواحدة نصف الدیة»، یعنی مرد در برابر کشتن زن، قصاص می‌شود، کسانی که از طلا برخوردارند، دیه در این مورد ۱۰۰۰ دینار، و در جنایت بر یک دست نصف دیه است.

حدیث یاد شده را نسایی در سنن نسایی [7] نقل نمود و ابن حجر در تلخیص [8] آورده و نقادان علم حدیث به تصحیح سند آن پرداخته‌اند.

دقت در مضمون حدیث و تشقیق شقوق و بیان اقسام دیه از دیه نفس گرفته تا دیه اعضا، و جراحات وارده بر سر حاکی است که حضرتش در مقام بیان حکم الهی مستمر است نه حکم ولایی موقت، و لذا فقیهان اسلام همگان آن را حکم الهی تلقی نموده‌اند.

جای دقت این‌جا است که تعیین مقدار دیه از نظر دینار به‌وسیله خود حضرت رسول انجام گرفته است و اگر در برخی از روایات به امیرمؤمنان نسبت داده شده است [9]، مقصود جنبه عملی آن حضرت است.

مضمون حدیث یاد شده در روایات ما نیز آمده است، صدوق با سندی از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: «یا علی انّ عبدالمطلب سنّ فی الجاهلیة خمس سنن أجراها له فی الإسلام وسنّ فی القتل مائة إبل ما جری الله ذلک فی الإسلام؛ [10] یا علی! عبدالمطلب در عصر جاهلیت پنج سنت نهاد، خدا آن‌ها را در اسلام نیز به اجرا گذاشت، دیه قتل را صد شتر قرار داد، در اسلام نیز پذیرفته شد».

آن‌چه در این مکتوب آمده است و محدثان اهل‌سنت نقل کرده‌اند، در احادیث ما نیز وارد شده و حاکی از یک نوع اتفاق و اجماع در مقدار دیه است.

دلیل چشم گیر صاحب فرضیه مطلب یاد شده در زیر است: «دیه در جاهلیت صد شتر بود فأقرها رسول الله ...، رسول خدا آن را تثبیت کرد».

۴. واژه «اقَرَّ، و فَرَض» جزء کلام معصوم نیست

یادآور می‌شویم که واژه‌های مزبور گفتار معصوم نیست تا بر آن تکیه شود بلکه گفتار ابن ابی‌لیلی است. عبدالرحمن‌بن حجاج می‌گوید: من از ابن ابی‌لیلی شنیدم که فرمود: «کانت الدیة فی الجاهلیة مائة من الإبل فأقرها رسول الله ثم انّه فرض علی أهل البقر مائتی بقرة وعلی أهل الشاة ألف شاة ثنیة...»

بعد عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: «من آن‌چه را از ابن ابی‌لیلی شنیده بودم از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم حضرت درباره گفتار او سکوت کرد ولی فرمود: کان علی علیه‌السلام یقول: الدیة ألف دینار وقیمة الدینار عشرة دراهم، دیه هزار دینار و هر دینار ده درهم است»، از این بیان نتیجه می‌گیریم:

الف. جمله «فأقرها رسول الله» در کلام ابن ابی لیلی است.

ب. جمله «فرض علی أهل البقر،... وفرض علی أهل الشاة ألف شاة منیّة»، همگی در کلام ابن ابی‌لیلی است چگونه می‌توان با جمله‌هایی که در گفتار یک فقیه آمده است بر یک مسئله بنیادی استدلال کرد.

ج. حدیثی که صدوق آن را از وصایای پیامبر به علی علیه‌السلام نقل کرده حاکی است که خدا سنت عبدالمطلب را تصویب کرد، نه پیامبر. اینک عین عبارت: «یا علی انّ عبدالمطلب سنّ فی الجاهلیة خمس سنین اجراه الله ذلک فی الإسلام .إلی أن قال: وسنَّ فی القتل مائة من الإبل فأجری الله ذلک فی الإسلام؛ [11] پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به علی علیه‌السلام: عبدالمطلب پنج قانون در جاهلیت تصویب کرد، خدا همه را به اجراء گذاشت تا این‌که فرمود: و تصویب کرد در قتل صد شتر را و خداوند آن را در اسلام هم اجرا کرد».

۵. لازمه این فرضیه، نادیده گرفتن صدها حدیث در ابواب دیه

اگر ما روایات چهارده‌گانه‌ای که فقط در وسایل‌الشیعه در مورد دیه انسان آمده است (با قطع نظر از آن‌چه در مستدرک الوسایل یا جامع احادیث الشیعه وارد شده) همه را حکم ولایی و موقت بدانیم در این صورت باید صدها حدیث دیگر را که در وسایل الشیعه در مورد دیه اعضا و دیات منافع و دیات شجاج و جراح وارد شده است (و اساس همه را دیه نفس تشکیل می‌دهد)، ولایی و قضایی و موقت بدانیم!! و با همه این روایات انبوه خداحافظی کنیم.

آیا یک فقیه ملتزم به اصول استنباط و تسلیم در برابر احکام الهی چنین جرأت پیدا می‌کند که همه را کنار بگذارد و بعداً بنشیند و روی مصالح و مفاسد تنگ نظرانه انسان غیرمعصوم، قانون وضع کند.

اصولاً فقهای اسلام در طول ۱۴ قرن بر همین روایات تکیه کرده‌اند و فتوا داده‌اند و هرگز در اذهان آنان این مطلب نبود که شاید این‌ها احکام موقت و ولایی باشند.

۶. ورود این واژه‌ها در احکام مسلم الهی

یکی از دلایل مستدل ورود کلمه فَرَض و امثال آن در مورد دیه سگ و غیره در برخی از روایات معصومین است، در این‌جا نظر ایشان را به دو مطلب جلب می‌کنیم:

الف. این نوع تعبیرها در احکام مسلم اسلامی نیز آمده است، آیا همه را باید حکم موقت بدانیم، اینک متن روایت:

۱. «انّ الله فرض الصلاة رکعتین رکعتین یکون المجموع عشر رکعات فأضاف رسول الله إلی الرکعتین رکعتین وإلی المغرب رکعة». تمام نمازها دو رکعت بود، و مجموع به ده رکعت می‌رسید، پیامبر بر چهار نماز دو رکعت و بر نماز مغرب یک رکعت اضافه کرد.

۲. «انّ الله فرض فی السنة صوم شهر رمضان وسنّ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله صوم شعبان وثلاثة أیام من کلّ شهر». روزه در ماه رمضان الزامی بود، پیامبر روزه ماه شعبان و سه روز از اول هر ماه به‌صورت مستحب افزود.

۳. «انّ الله حرّم الخمر بعینها وحرم رسول الله المسکر من کلّ شراب». خدا شراب را تحریم کرد، پیامبر هر مایع مست‌کننده را.

۴. «انّ الله فرض الفرائض فی الإرث ولم یقسم للجد شیئاً ولکن رسول الله اطعمه السدس». [12] خدا در ارث برای جد سهمی معین نکرد، پیامبر یک ششم برای او قرار داد.

اگر کلمه «فأضاف و فرض و حرّم» نشانه حکم ولایی و موقت باشد پس باید با این احکام نورانی اسلام خداحافظی کرد و نماز را دو رکعت خواند و گفت خدا فقط خمر را تحریم کرد نه دیگر مسکرات را و به جد چیزی نپرداخت.

به علاقه‌مندانی که گمان می‌کنند بر کرسی نوآوری نشسته‌اند یادآور می‌شوم اجتهاد و استنباط کار آسانی نیست. مرحوم شیخ انصاری در باب انسداد باب علم می‌گوید: «رزقنا الله الاجتهاد فانّه أشدّ من طول الجهاد»، بنابراین نباید با یک سطحی‌نگری و مجرد وجود «أقرّ» یا «فرض» یک چنین فرضیه‌ای را مطرح کرد و ذهن جوانان را نسبت به احکام نورانی اسلام متزلزل ساخت.

در پایان نظر صاحب فرضیه را به روایتی که صدوق در فقیه و کلینی در کافی و یحیی‌بن سعید حلی در جامع‌الشرایع با سند بسیار عالی نقل کرده‌اند، جلب می‌کنم. این روایت معروف به روایت ظریف در دیه است، امیرمؤمنان در منشوری بسیار مفصل و گسترده مقدار دیه اعضا و منافع را بیان کرده است (و باید این منشور را در کنار نامه‌ای که به مالک نوشته قرار داد، آن‌گاه درباره دانش امام قضاوت نمود). مجموع این منشور در کتاب جامع‌الشرایع هفده صفحه را دربرگرفته است. [13]

چگونه می‌توان این همه موشکافی و گسترده‌گویی را احکام موقت دانست و آن‌گاه فقه وضعی و خرد بشری را، جایگزین وحی و فقه اسلامی ساخت؟!

■ **پی‌نوشت‌ها**

۱. منهاج‌السنه، ج۲، ص۴۳۷

پی‌نوشت‌ها:

۱. در یک تفسیر ساده و الا حقیقت استنباط بالاتر و برتر از این است.

۲. یوسف /۴۰.

۳. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب منشور جاوید، ج۱، ص ۴۲۱.۳۸۷ مراجعه بفرمایند.

۴. مائده /۴۸.

۵. اذهب فاقعلها وارم بها وجهه فانّه لا ضرر ولاضرار. وسایل، ج۱۷، باب۱۲ از کتاب احیاء موات، حدیث۳.

۶. وسایل، چاپ آل‌البیت علیهم‌السلام، باب السرایا، ج۱۵، ص ۵۸، ج۲و۳.

۷. سنن نسایی، ج۸، ص ۵۹.۵۸.

۸. تلخیص، ج۴، ص ۱۸.۱۷.

۹. وسایل‌الشیعة، چاپ آل‌البیت علیهم‌السلام ابواب دیات النفس، ج۲۹، ص۲۰۲، حدیث۸.

۱۰. وسایل: ۲۹، باب ۳۵، از ابواب دیات نفس، حدیث۱۴.

۱۱. وسایل‌الشیعة، چاپ آل‌البیت علیهم‌السلام، ص ۱۹۸، ج۲۹، ابواب دیات النفس، ح ۱ و ۱۴.

۱۲. اصول کافی، ج۱، ص ۲۶۶، ح۴.

۱۳. جامع‌الشرایع، ص۶۵۴.۶۷۱.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله‌العظمی سبحانی